

## تحولات لیبی و نگرانی های ناشی از آن

چنانکه خواننده های گرامی اطلاع دارند ، وضعیت سیاسی - نظامی در خاور میانه، بخصوص در سوریه و لیبی ، جداً بحرانی است . خیزش های ضد دولتی ، مدتی است در هردو کشور، هنگامه برپا کرده است . و اما، درعین حال، اوضاع خاص در هردو کشور، کاملاً همسان هم نیست . هرچند جهان غرب ، با در نظر داشت سیاست های پیش خزنده جهانی و استعماری شان، موضعگیری ضد رژیم بشار اسد رییس جمهور سوریه را اتخاذ کرده اند ، ولی چون منافع اقتصادی ابر قدرتها ، بیشتر با ذخایر نفت و گاز و استفاده غارتگرانه از آن گره خورده است ، بنابراین، علاقه مندی بیشتر، اختصاصی تر و عمیقتری در قبال لیبی دارند. بهمین دلیل بود که از چندی به اینسو، اعضای اروپایی پیمان اتلانتیک شمالی ( ناتو) ، بصورت آشکارا در امور سیاسی و نا آرامی های اجتماعی لیبی دخالت کردند، محدودیت های هوایی علیه رژیم قذافی وضع نمودند، مشاوران نظامی و اطلاعاتی شان با سرعت در کنار شورشیان ضد رژیم قرار گرفتند، سلاح های پیشرفته در اختیار مخالفان قذافی گذاشتند و در طول مدت چند ماه، مواضع حساس نظامی رژیم قذافی را ظاهراً به نفع شورشیان بمباران کردند و میکنند.

اعضای قدرتمند اروپایی ( ناتو) به این اقدامات اکتفا نکردند، بلکه تا حال ، به کرات بگونه رسمی خطاب به رهبر لیبی اخطار ها صادر کرده و گفته اند هرچه زود تر قدرت را ترک بگویند.

چرا چنین است ؟ خوانند های گرامی شاید بخاطر داشته باشند که ما قبلاً، ضمن یک مقاله مختصرتحلیلی، متذکر شده بودیم که اگر از یکطرف خیزش و شورش مردم لیبی علیه حکومت چهل ساله و دیکتاتور منشانه معمر القذافی برحق است و باید خواست های برحق مردم آن سرزمین اعاده شود، ولی از سوی دیگر، چون دست کشور های استعمارگر در چنین خیزش و شورش دخالت دارد، بنابراین، باید در مورد بازتاب و آینده این جانبازیهای عمومی ، سخت متوجه و محتاط بود.

من آن نگین سلیمان به هیچ نستادم      که گاهگاه در او دست اهرمن باشد

دلیل عمده آنهمه حمایت‌های سیاسی، نظامی و تبلیغاتی اعضای ناتو از خیزشگران ضد قذافی، علاوه بر موقعیت استراتژیک لیبی، در وجود نفت سرشار آن کشور نهفته است. وقتی چنین است، شورشیان ضد رژیم قذافی باید بدانند که متعاقب سقوط کامل رژیم موجوده و تشکیل اداره جدید، کشورهای اروپایی و امریکایی (ناتو)، نه تنها افراد و عناصر وفادار بخودشان را با ترفندهای دیپلماتیک در بخشهای مهم و کلیدی آن کشور نصب خواهند کرد، بلکه خواهند کوشید بمثابة به اصطلاح یار غار تازه به دولت رسیده‌گان، در تعیین سرنوشت سیاسی و اقتصادی آینده‌ی مردم آن سرزمین نقش بازی کنند که در چنین حال و احوال، مسلماً، کشور لیبی، دیگر، از مزایای استقلال سیاسی و اقتصادی نوع کلاسیک، بهره‌ی نخواهند داشت. مگر آنکه رهبران شورش کنونی و یا انقلابیون ضد رژیم، از آگاهی خاص سیاسی - دیپلماتیک، اتحاد مستحکم ملی، نیروی مقاومت ضد استعماری و پتنتشیل مبارزه و تاکتیک لازم برخوردار باشند.

هرگاه قرار باشد، اندک مکثی پیرامون سخت‌جانی و مقاومت نظامی قذافی و هوا داران وی در برابر فشارهای نظامی مخالفان و نیروهای ناتو نماییم، جا خواهد داشت مقاومت او را (مقاومت منفی) یا بی‌حاصل بخوانیم. زیرا از یکطرف ملت لیبی به دو جبهه "مخالفان" و "موافقان" (ولو بگونه موقتی) منقسم شده‌اند و از سوی دیگر، نیروهای ناتو، با در اختیار داشتن قوای سنگین هوایی و امکانات پیشرفته تکنالوژی جنگی، هر نوع نقل و انتقال نظامی و لوژستیکی جانب رژیم را از فضا بمباران میکنند. چنانکه تاکنون چنین کرده‌اند. معمر القذافی هرچند خودش را بحیث "رهبرانقلابی"، نه انتخابی ملت لیبی بداند و به برنامه‌های عمرانی بی‌که ظرف چهار سال گذشته پرداخته است، بنزد، ولی، چه چاره که دیگر، از یکطرف ملت از حاکمیت سختگیرانه طولانی مدت وی خسته شده و از جانب دیگر، اوضاع و احوال منطقه و جهان نیز نسبت به چهار سال قبل، دچار تحولات عدیده‌ی گردیده و موازی بدان، نسل جدیدی با انرژی و طرز تفکر تازه‌تر و خواست‌های مدرن‌تر به میدان آمده است.

هرگاه قذافی، که زمانی، انورالسادات رییس جمهور سابق مصر او را "دیوانه بچه" خوانده بود، باری بخواد عاقل‌تر از پیش باشد، ایجاب میکند، پس از یک توضیح و تفصیل مدلل و افشاگرانه سیاسی از ورای رسانه‌های جمعی کشور عنوانی ملت لیبی مبنی بر جلوگیری از ویرانگری و خونریزی بیهوده که خواست قدرت‌های مداخله‌گر می‌باشد و آگاهی‌دهی پیرامون هدف‌های اهرمن استعمار، قدرت سیاسی را به یک شورای متشکل از شخصیت‌های مدبر و

مورد پذیرش عامه بسیار و تا دیر نشده و نفس در رگهای خودش و فرزندانش در جریان است ،  
بارش را ببندد و از لیبی خارج شود.

طرب نو جوان ز پیر مجوی      که دگر ناید آب رفته بجوی